

مشاهداتی از کمپ "اشغال" در لندن!



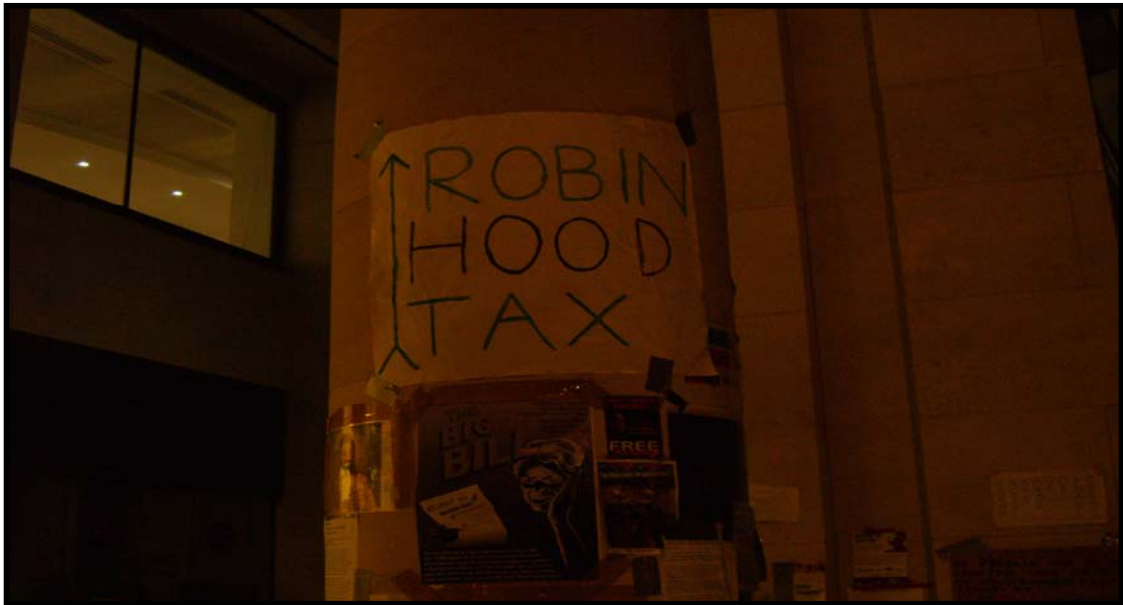
چند هفته ای است که در مقابل یکی از بزرگترین مراکز مالی لندن که در کنار کلیسای "سن پولز" قرار دارد، صدها زن و مرد و پیر و جوان معترض در اعتراض به نظام پوسیده سرمایه داری چادر زده و مجموعه ای را شکل داده اند که در هوای سرد لندن گرما بخش همه مبارزین و مخالفین ستمگری های سیستم حاکم گشته است. بدنیاال جنبش اشغال "وال استریت" در آمریکا و با الهام از آن اکنون نسیم پر طراوت و تازه ای از یک جنبش ضد سرمایه داری و آزادی خواهانه بر صد ها شهر در قلب دژهای سپاه سرمایه داری و از جمله در لندن وزیدن گرفته است. شعار "ما ۹۹ درصد ی هستیم که صدای خود را برای کسب حقوقمان و بر علیه جنایات یک درصد استثمار کننده بلند کرده ایم" شعار مشترک همگانی است که به اشکال مختلف بر روی کاغذ، مقوا، پلاکارد، اعلامیه و ... منعکس شده و یک وحدت مبارزاتی را به نمایش می گذارد. طیف گوناگونی از افراد و نیروهای مخالف و معترض به نظام سرمایه داری، از کمونیستها و نیروهای چپ و رادیکال گرفته تا فعالین محیط زیست، نیروهای ضد جنگ و حامیان حقوق بشر گرد آمده اند و خطاب به طبقه حاکم یعنی سرمایه داران زالو صفت و همچنین قدرتهای امپریالیستی فریاد می زنند که بیش از هر زمان دیگری از دست ستم و استثمار، فقر و گرسنگی و بیکاری و تورم، جنگ و یورشهای سرکوبگرانه دولتهای حافظ اقلیت استثمارگر بر علیه کارگران و زحمتکشان به جان آمده اند. در اینجا از ماشین تبلیغاتی جیره خوار بورژوازی و تأثیرات بمباردمان روحی و روانی آنها خبری نیست. در اینجا میداندار، بلندگوهای تبلیغاتی سرمایه داران و مطبوعات جیره خوار آنها و یا سمبلهای تحمیق کننده ترویج شده توسط نظام حاکم نظیر "ایکس فکتور" و "بیگ برادر" و ... نیستند. در عوض بر بستر اتحاد و هدف مشترک و مردمی این تجمع اعتراضی، یک دستگاه خبر پراکنی مردمی و خودکار به راه افتاده است. همه مباحثات و گفتگوهای خودمانی جاری در بین جمعیت و یا کارگاه های کناری در ارتباط با مسایل واقعی زندگی کارگران و زحمتکشان و جامعه ای است که زمامدارانش با مکانیزمهای متفاوت سعی در تخدیر روح و روان زحمتکشان آن دارند. برعکس چنین جامعه ای، اینجا دنیای دیگری پر از آرمانهای عدالت خواهانه و کوشش برای یافتن راه های تحقق آنهاست. هنرمندان مردمی با کوله پشتی هایشان، هر یک به فراخور استعداد و امکاناتشان به نوبت، نوای ساز های خود را بلند می کنند و شعر و ترانه ای را در دفاع از حقوق دمکراتیک توده ها و بر علیه استثمار و ستم و ستمگر ترنم می کنند. دختر گیتار بدستی پس از اجرای برنامه اش، با حرارت به بازدید کنندگان از این کمپ توضیح می دهد که برنامه بعدی او سفر به هامبورگ و ملاقات اشغال کنندگان آن شهر و اجرای برنامه و ترویج پیام ضد سرمایه داری برای آنهاست. در محیطی که به همت مبارزه و پایداری ساکنانش با پلیس و دستگاه های قضایی و اجرایی سرمایه دارن حاکم امکان تداوم و بقا پیدا کرده، هر کس آزاد است تا حرف خود را خارج از سلطه

دستگاه سانسور طبقه حاکم بزند. اخبار مبارزاتی چه در مورد مسایل داخل انگلستان و چه کشورهای دیگر بی وقفه در حال رد و بدل شدن است و حضور فعالین ملیتهای مختلف به این کمپ یک ویژگی خاص و احساس همبستگی مبارزاتی بین المللی داده است. در گوشه ای عده ای به بررسی راه های فشار به دولت و بورژوازی حاکم برای توقف یورش آنها به سطح زندگی و دستمزدها و امکانات رفاه اجتماعی مشغولند. عده ای دیگر در مورد امکان گسترش این کمپ و یافتن داوطلبینی که با کمک آنها بتوان مراکز مهم دیگر شهر و از جمله مراکز مطبوعاتی و تبلیغاتی را اشغال کرد صحبت می کنند. در گوشه ای دیگر بحث بر سر فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا و حادثه بمب گذاری و کشتار ۷ جولای ۲۰۰۵ در لندن است و جوانان با حرارت و یکی پس از دیگری عنوان می کنند که "خود سرمایه داران و بانکدارها و سیاستمداران ما" این فجایع را سازمان داده اند تا از آنها سود ببرند و با تاکید عنوان می کنند که باید نام آنها به عنوان "جنایتکار جنگی" مطرح شود. مرد دیگری در مورد افغانستان و عراق حرف می زند. او در حالیکه "تروریسم" را حاصل سیاستها و منافع سرمایه داران معرفی می کند مدعی می شود که "بن لادن" ده سال پیش مرده بود و اینها برای پیشبرد سیاستهای خود دو باره او را کشتند! در بحثی دیگر ادعاهای آزاد شدن مردم لیبی توسط ناتو و غرب مورد استهزا قرار گرفته و یکی با خنده می گوید "قذافی یک دیکتاتور بود در این شکی نیست؛ اما سیاستمداران ما که برای تحقق منافع و پر کردن جیبهای خود به لیبی رفته اند، حتی به رویشان نمی آورند که سیستم بهداشت عمومی در لیبی برغم دیکتاتوری، ده ها بار بهتر و موثرتر از سیستم درمان ملی در کشور باصلاح دموکراتیک ما بود و از آن مهمتر این سیستم رایگان بود". بحثهای مهم دیگر در مورد چگونگی گسترش حرکت "اشغال" است. جوانی که در میان یک گروه کوچکتر با حرارت به بحث و انتقاد از وضع موجود مشغول است می گوید "کاپیتالیسم با روشهای مسالمت آمیز و وعده های صلح و صفا تغییر نمی کند، سیاستمداران ما حاضر به ترک قدرت نیستند؛ با وجود آنکه بخوبی می دانند که بیش از ۹۰ درصد مردم آنها را نمی خواهند. ما باید متحد شویم و به جلوی کاخ نخست وزیری برویم و آنها را بطور مستقیم و با زور پایین بیاوریم" بقیه با تایید حرف او، برایش کف می زنند. در یکی دیگر از چادرها چای و قهوه مجانی با شعار "این اخلاق ماست" پخش می شود تا اندکی از سرمای بدن ساکنان و ملاقات کنندگان بکاهد که برغم بدی آب و هوا با چهره هایی باز و شاد به هم لبخند می زنند؛ بحث می کنند و بادیدن جمعیت و چهره های تازه به قدرتی که در اتحاد آنها نهفته است پی برده و با دیده غرور و شادی به یکدیگر نگاه می کنند. در هر گوشه از کمپ و بر روی دیوارها شاهد دهها شعار، اعلامیه و عکس و ... هستی. فارغ از آن که هر کس چه نظری دارد و چقدر درست می گوید، بطور کلی سیاست و سیاستی که برخاسته از شرایط مادی زندگی اکثریت کارگران و زحمتکشان و توده های تحت ستم است و خود را متعهد تغییر شرایط ظالمانه کنونی می داند اینجا با برجستگی مطرح است. نگاه و بازبینی اجمالی از کمپ نشان می دهد که علیرغم تبلیغات مزخرف اما روزانه بورژوازی جهت اشاعه "سیاست گریزی" و "اهمیت ندادن به مسایل سیاسی" بویژه در میان جوانان اما معترضین جوان بخش بزرگی از جمعیت را تشکیل داده و با شور و حرارت بر علیه وضع موجود سخن می گویند. به واقع این کمپ انعکاس نارضایتی بزرگی است که بر علیه مناسبات اسارتباری که نظام سرمایه داری به خصوص در شرایط بحران برای میلیونها کارگر و زحمتکش و در واقع برای ۹۹ درصد از مردم ایجاد کرده شکل گرفته و حال در این حد به حرکت درآمده است.

درست بدلیل همین جنب و جوش، جو کمپ به شدت پلیسی ست. محیط مملو از جاسوسان پلیس و گزارشگرانی ست که با حساسیت تمام تحولات کمپ و بحثها را دنبال می کنند، از هر چهره شناخته شده و فعالی عکس می گیرند و بشدت مراقبند که از هر گونه گام بعدی ساکنان مبارز این کمپ اطلاعات کسب کنند. انعکاس این واقعیت را می توان در یکی از چادرها دید جایی که حداقل عکس های گرفته شده از بیش از ۵۰ مامور با اوئیفورم و یا لباس شخصی با توضیحاتی راجع به مشخصات آنها و فعالیتهای پلیسی شان به دیوار آویزان شده و به ساکنین کمپ در مورد دقت و هشیاری در هنگام صحبت و بحث هشدار داده شده است.

جنبش اشغال لندن به همراه خود موجی از شور و امید به مبارزه و تغییر در شرایط اسارتبار موجود را دنبال آورده و پیش از هر چیز از قدرت مبارزاتی مردم و بویژه جوانان و تجلی اتحاد آنها خبر می دهد.

در کنار این امید اما سئوالات گوناگونی چه در رابطه با پیشرفت این جنبش در آینده و چه در زمینه چگونگی شکل گیری یک رهبری متشکل با برنامه ای انقلابی و غیره در بحث های پر حرارت آنها مطرح است و بیم این امور در نگاه ساکنان چادرهای مستقر شده قابل رویت است. هرچند تردیدی نیست که امکان تحقق رهبری انقلابی متشکل تنها در یک محیط مبارزاتی و بر بستر مبارزات جاری و شرکت موثر در آن و درسگیری از آن بوجود آمده و پاسخ می گیرد.



فعالین چریکهای فدائی خلق ایران - لندن

نوامبر ۲۰۱۱